

## سلامت موسیقی مذهبی روبه تحلیل است

عماد توحیدی، آهنگ‌ساز، در آلبوم موسیقی "ذوالجناح" تجربه ای تازه در موسیقی مذهبی ایران ارائه داده است. او در این اثر سعی کرده است تا از هر نوع تداعی و ارجاع مستقیم و مؤلفه‌های همیشگی که در این ژانر موسیقی وجود دارد به شدت پرهیز کند. "ذوالجناح" اثری است که بر مستقل نگریستن و دوری از عادات و تداعی‌ها اصرار دارد و از همین روی در آن از ارکستر بزرگی از سازهای کوبه‌ای ایران و جهان استفاده شده است. استفاده از آوازهای قدیمی عروسی بوشهری‌ها در یکی از قطعات، یا به کارگیری آوازهای ماهی‌گیران جنوب و یا مدد جستن از سازهایی مثل نی‌انبان که سابقه حضور در موسیقی دینی ندارند و خیلی از ویژگی‌های دیگر از این قبیل در اثر مشهود است. اما قبل از همه اینها دغدغه فکری توحیدی پدیداری خوانشی بر اساس سنت موسیقی دینی در اشکال متنوع و مشروعیت یافتن آن در فضایی مدرن و تجربه‌نشده بود.

اصولاً تا چه اندازه می‌توان تعریف مشخص و علمی‌ای برای موسیقی مذهبی ارائه داد؟

ژانر موسیقی در غرب پیشینه و تعریف مشخص و مدونی دارد، اما در ایران به لحاظ منبعث بودن این نوع موسیقی از فرهنگ شفاهی و آیین‌های باستانی اقوام گوناگون، لازم است که به سطح بندی معقول اهالی موسیقی و دین برسیم و آن وقت به تبار شناسی و کالبد شکافی آن پردازیم. از سویی ساحت بروز این نوع موسیقی قدسی و مینوی که در کشور ایران بر اساس حماسه بیژن و رویین و سیاوش کشی و نظایر آن و تبلور این حماسه‌ها در رسم و بنیان‌های فکری تشیع و تصوف شکل گرفته، متنوع است. موسیقی عاشورایی، عبادی، تعزیه و حتی صوفیانه از این جمله‌اند. بروزات موسیقی مذهبی در اشکال نمایشی مانند تعزیه، مداحی و منقبت خوانی و دیگر اشکال، هر کدام حوزه‌های سخن شناسی، مردم شناسی، اسطوره شناسی و موسیقی شناسی علمی خود را می‌طلبند که فارغ از تعاریف سلیقه‌ای، محدود به یک حوزه خاص است. اعتقاد من این است که ما هنوز در این مسئله به یک تعریف مشخص و کامل که مورد وفاق اهل فرهنگ و هنر باشد، نرسیده‌ایم؛ در حالی که اگر حوزه‌های فکری مشخص نباشند، متولی و کارشناس زبده ای هم وجود نخواهد داشت. از سویی در بسیاری از حوزه‌های فرهنگی، شاهد استفاده از کارکردهای گذرا و ابزار هیستیم و این خود از مهم‌ترین علل انحراف، نزول و انهدام تدریجی موسیقی است. برای رشد تفکر تحلیلی درباره میراثی که در دست داریم، لازم است علاوه بر ثبت و ضبط این میراث، متولیان فرهنگی به الگوها توجه داشته باشند و در جهت زنده نگه داشتن مجد و شرف آن تلاش کنند.

اثر موسیقایی باید چه ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی داشته باشد که قطعه مذهبی شناخته شود؟

موسیقی دینی با هدف پرستش و معرفت الهی و یا ارج نهادن به قداستی عمیق ساخته می‌شود. به قول کریستف ولف، موسیقی دینی فرصتی برای موسیقی دان است به جهت آنکه در قالب بیانیه، اعتقاداتش در مقام یک مؤمن را با اعتقادش در کسوت یک هنرمند یگانه سازد.

و این اتفاق تا چه اندازه در «ذوالجناح» رخ داده است؟

این اثر شاید برای من فرصت ابراز احساسات متنوع در برابر رویدادی عظیم بود که وجوه مکشوف و مستور بسیار دارد. نخواستیم احساساتم را درگیر تضرع و استغاثه کنیم. خواستیم در موسیقی من تپش، شور و شکوه واقعه تجلی



پیدا کند؛ فرآیندی که ترکیب ارکستر کوبه ای و آواهای متنوع می توانست من را در راه رسیدن به این خواست یاری کند. این اثر را می توان دربرگیرنده منظومه ای از تفکر دانست که رسم شیعه، بنیادهای تفکر ایرانی، اساطیر، خاطره مقدس واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری و آیین‌های سور و سوگ و فرهنگ‌های اقوام متنوع این ملک کهن در تار و پودش عیان است.

**لزوم توجه به ارکستراسیونی خاص در موسیقی مذهبی تا چه اندازه است؟**

ساحت این موسیقی با توجه به تنوع آن در ایران مربوط به نوعی خاص از اجراء ارکستراسیون و ادبیات خاص نمی شود. موسیقی مذهبی ایران قبل از تبعیت از فرم و الگوهای خاص، دارای روح واحدی است که در قالب‌های متنوع فرهنگی بروز می یابد. این روح واحد در تلاوت قرآن کریم، اذان، ذکر، منقبت، زیارت نامه، مدح، سینه زنی تا آوازهای تعزیه، نوحه خوانی‌ها و حتی ساز و آواز و ذکر در مناسک صوفیانه حضور و تجلیات گوناگون دارد.

**عدم تمایل موسیقی دانان ایرانی به ساخت آثاری در این حوزه به چه علت است؟**

نباید انتظار داشت که طیف گسترده ای از موسیقی دانان وارد این مبحث می شوند. اولین قدم برای وارد شدن به این نوع موسیقی آن است که ما سیره اهل بیت را بشناسیم و به آن تقرب معرفتی داشته باشیم. وجه دیگر ماجرا نبود عزم جدی متولیان تولید موسیقی در ایجاد شرایط یا حضور و مشارکت طیفی از موسیقی دانان ایرانی در این مقوله است. اگر این مشکلات برطرف شود، می توان امید داشت که موسیقی دانان ایرانی نقش مؤثری در آفرینش موسیقی مذهبی داشته باشند و در آن صورت، قطعاً این جریان مسیر بهتری پیش روی خود خواهد دید.

**در صحبت‌هایی به انحرافات که این مقوله با آن روبه رو بوده است اشاره داشتید؛ در این خصوص توضیحات بیشتری می دهید؟**

هم اکنون نمونه‌های مختلف موسیقی چون مرثیه، منقبت و... در حال فراموشی است و علاوه بر آن سلامت بسیاری از گونه‌های مذهبی رو به تحلیل است. جست و جو و گردآوری و ثبت موسیقی مذهبی و آیینی ایران گام مهمی در ادامه حیات بارور این نوع موسیقی است. روش شناسی و چگونگی انجام این فرآیند نیز اهمیت فوق العاده ای داشته و لازم است آگاهان و موسیقی دانان آشنا به این مهم در کنار حمایت و اراده سازمان‌های مسئول، این گنجینه و میراث باارزش فرهنگی را استخراج کنند و در معرض استفاده علاقه مندان و فعالان این حوزه قرار دهند. یکی از دلایل ظهور نمونه‌های بی ریشه و فاقد اصالت، عدم آشنایی فعالان این بحث با نمونه‌های با ارزش و با هویت قدیمی است و البته اعتقاد دارم سازمان صدا و سیما می تواند بسیار بهتر و احترام برانگیزتر نمونه‌های اصیل را در سطح جامعه مخاطب خود ترویج کند و از برخوردهای عامه پسند بپرهیزد. یکی از پژوهشگران غرب می گوید: وقتی یک سنت یا فرهنگ در حال نابودی است، انگار کتابخانه ای در حال سوختن است. به این ترتیب، به نظر من یکی از راه‌های برون رفتن از بن بست تکرار و اضمحلال، به کارگیری این سنت‌ها در شکل‌های مدرن است و صد البته که این اتفاق باید با تکیه بر تفکر و معرفت رخ دهد. وقتی که بسترهای غنی فرهنگ وجود دارد، باید که پیشرو و خلاق بود و میراث گذشته را با توجه به دوران و تفکر امروز احیا کرد.